

ناهماهنگی‌های بصری در سیمای شهر اهواز و تأثیر آن بر رفتار اجتماعی شهروندان

محمد علی رازقی^۱
مهرداد نوابخش^۲
حمید انصاری^۳

تاریخ وصول: ۹۵/۱۲/۱۹

تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۳/۲۳

چکیده

اغتشاش و ناهماهنگی بصری در چهره شهر امروز ایرانی به وضوح قابل ملاحظه است. در این میان اهواز با وجود قدمت تاریخی، امکانات فراوان نفتی، طبیعت زیبا و قابل توسعه، جریان رود کارون از وسط شهر و ... از مشکلات و ناهمانگی‌های مضاعفی در بعد بصری رنج می‌برد. در این پژوهش از دیدگاه‌های صاحب‌نظرانی همچون کوین لینچ، دیوید هاروی، یان گل و همین‌طور نظریه کنش متقابل نمادین و نشانه‌شناسی به ویژه نشانه‌های شهری بهره برده‌ایم. همچنین در این مطالعه بر آنیم تا ضمن نشان دادن پاره‌ای از این نامالیقات بصری، با رویکرد کمی و کیفی و با استفاده از نگاه صاحب‌نظران حوزه شهری گامی هرچند کوچک در جهت برون رفت ارائه نماییم. جامعه آماری ما افراد ۱۵ سال به بالای شهر اهواز بوده که در بعد کمی با استفاده از پرسشنامه و در بعد کیفی با عده‌ای از نخبگان و مطلعین منطقه مصاحبه حضوری داشته‌ایم. آنگاه با استفاده از نرم افزار SPSS به تحلیل مجموعه داده‌های کمی پرداخته و در نهایت و پس از تجزیه و تحلیل اطلاعات فراهم شده نتیجه حاصله نشان داد که بین ناهماهنگی‌های بصری و رفتار اجتماعی یک رابطه معنادار وجود دارد ضمن اینکه در بعد کیفی نخبگان و مطلعین منطقه نیز بر این مهم صحنه گذاشته که در بخش نتیجه‌گیری و پیشنهادات به بررسی و تحلیل آن پرداخته‌ایم.

واژگان کلیدی: ناهماهنگی‌های بصری، سیمای شهر، رفتار اجتماعی، شهروندان، اهواز.

۱- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، تهران، ایران. (نویسنده مسئول). razeghi.m.a@gmail.com

۲- استاد جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، تهران، ایران.

۳- دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز، تهران، ایران.

مقدمه

هر رفتار انسانی در ساحت مکان اتفاق می‌افتد تا مجموعه احوالات زیستی انسان به درک او از ماهیت مکانیش وابستگی یابد. اینگونه است که زیست شهری در رابطه‌ی تعاملی انسان و شهر معنا می‌یابد و فضای این رابطه کیفیات و محدوده‌اش را به کیفیات و محدوده زیست انسانی تسری می‌دهد. پس آن چه در چهره شهر به چشم می‌آید، تعیین کننده و اثر گذار بر احوالات فرد است. در حقیقت شهر به عنوان مولفه‌ای مشترک در تمام سطوح رفتاری به نسبت های گوناگون اثر گذار می‌شود تا بستری معنابخش برای زیست شهروندان باشد. از این منظر هر شهری ایده‌ی اصلی وجودی خود را به مثابه‌ی یک ایدئولوژی به رفتارهای انسانی تزریق کرده تا از آنها تعبیر به رفتارهای شهروندی شود. در نتیجه شهر به عنوان یک سازه معنایی که مبتنی بر روابط خودی شده‌اش نظام پذیرفته، محدوده و کیفیت ادراکی شهروندان را نیز شامل می‌شود. در حقیقت شهر بدل به دستگاهی فکری شده که به عنوان واسطه‌ای ناخودآگاه در مورد شهروندان می‌اندیشد لذا اندیشه شهری پل واسطی بین دریافت شهری و رفتار شهری است. کامل شدن این فرآیند فرهنگی همان سازوکاری است که شهروندان یک شهر را از شهر دیگر متمایز می‌کند تا پرسشی مبتنی بر اهلیت و کجایی بودن، مهمترین عنصر ممیزه‌ی هویتی در تمام جهان تلقی شود (Akbarzadeh, 2010).

بدیهی و روشن است که مبلمان شهری علاوه بر خصوصیات و ویژگی‌هایی که دارند، باید سهم مهمی در به وجود آوردن آرامش و سلامت روحی و ذهنی افراد داشته باشد. گاهی شلوغی و اغتشاش عناصر چنان است که نه تنها آرامشی را به دنبال ندارد، بلکه باعث سردرگمی و آشفتگی شهروندان نیز می‌شود، به گونه‌ای که انسان خسته از کار روزانه هیچ رغبتی برای نشستن و استفاده کردن از فضای شهری و مبلمان آن ندارد. شاید تا کنون کم تر به رابطه‌ی مبلمان شهری و آرامش روانی افراد توجه شده باشد، اما به یقین اولین تأثیرات خود را در ارتباط با چگونگی استفاده‌ی شهروندان از این عناصر خواهد داشت. لذا این مبلمان شهری است که با چیدمان صحیح و استفاده به جا، ضمن به وجود آوردن محیط و منظر مناسب و عملکردی در خور استفاده ساکنان، به مسائل روحی، روانی و آرامش بخش محیط نیز توجه کافی دارد (Madanipoor, 2003: 47).

بنابراین کالبد ساختاری شهرها می‌تواند بر روی نوع رفتار مردم تأثیر داشته باشد. به طوری که اگر آشفتگی و ناهنجاری را در معماری و فضای کالبدی شهر ببینیم، قطعاً این فضا بی‌نظمی و آشفتگی، تنش و اضطراب را در رفتار مردم هم بالا می‌برد. معماری شهری باید احساس گمنامی را از مردم بگیرد و آن‌ها احساس کنند رفتارشان کنترل می‌شود. انواع ناهنجاری‌های رفتاری، مشکلات اجتماعی و فشارهای روحی و روانی ناشی از سیمای ناخوشایند بصری نیز خود دلایل کافی برای افزایش مسائل

ناهماهنگی‌های بصری در سیمای شهر اهواز و تأثیر آن بر رفتار اجتماعی ...

زندگی مدرن شهری و تنگ تر شدن عرصه بر جامعه‌ی امروزی است. به یقین آرامشی که از نمای مناسب شهری در پی استفاده‌ی صحیح از مبلمان شهری حاصل می‌شود، بی‌تأثیر در زندگی شهروند امروزی نخواهد بود؛ به گونه‌ای که گاهی این احساس، خستگی را از انسان خسته از کار و تلاش و هیاهوی روزانه گرفته و با آرامشی پایدار، او را تا در منزل بدرقه می‌کند (Ibid, 48). کلانشهر اهواز از جمله شهرهایی است که به لحاظ بصری، سیما و منظر عمومی اغتشاشات و بی‌نظمی‌های فراوانی دارد با کمی دقت می‌توان وجود این بی‌نظمی‌ها را در تمام نقاط و سیمای شهر احساس کرد. عوامل متعددی مانند نماهای نامناسب، تجهیزات شهری نامناسب و فرسوده، ساخت و سازهای غیر اصولی، عدم ساماندهی فعالیت‌های اجتماعی، آلودگی هوا، وجود عناصر ناقص زیبایی و خوانایی محیط، رنگ آمیزی‌های غیراصولی و سلیقه‌ای عناصر شهری و ... در به وجود آوردن این اغتشاشات نقش دارند. لذا با توجه به مسائل فوق سوال اصلی پژوهش فوق این است که ناهماهنگی‌های بصری در سیمای شهر اهواز چه تأثیری بر رفتار اجتماعی شهروندان آن دارد؟

با توجه به اینکه در این پژوهش هم از نظریاتی در رابطه با شهر، فضا، فضای شهری، رابطه انسان و شهر، رفتار اجتماعی در حوزه شهر، مؤلفه‌های تأثیرگذار کالبدی و رفتاری بر ساخت چنین کنش‌هایی مورد توجه و نظر بوده تلاش کردیم تا در قالب یک بحث نظری نسبتاً کامل چارچوب نظری خود را تلفیقی از مجموعه نظریه‌ها و دیدگاه‌های مطرح شده انتخاب نماییم این چارچوب نظری بیشتر مبتنی و متکی بر نظریه کنش متقابل نمادین بوده که هم در یک جامعه شهری شکل گرفته و هم بر عناصر رفتاری آنگونه که نظریه‌پردازان اولیه آن مدعی هستند تأکید نموده و پایه‌گذاری شده است ضمن اینکه بشکلی مختصر از نظریه نشانه و نشانه‌شناسی در حوزه شهر نیز استفاده کرده‌ایم در مجموع تلاش ما برآن بوده تا از تمامی نظریاتی که در خصوص شهر، سیما و منظر آن و تأثیر این مجموعه بر رفتار اجتماعی بیان شده استفاده نماییم. بدیهی است که هماهنگی در سیمای بصری شهر می‌تواند در هویت بخشی و یکپارچگی فضا نقش بسزایی را ایفا نماید. همچنین با توجه به نظریه‌های نظریه‌پردازانی چون کوین لینچ، کالن، کریر، لوفور، پاکزاد و غیره که نقش المان‌های شهری را در هویت بخشی و یکپارچگی فضا و جلوگیری از اغتشاش بصری عامل موثر و مهمی می‌دانند و معتقدند مبلمان شهری که به خوبی در فضاهای تعریف شده باشد، می‌تواند به فضا هویت داده و خود از آن هویت یابد، به عبارتی دیگر خود در آن تعریف شده و آن را تعریف کند (Bahreini, 2006: 39). در زیر به عمده‌ترین چارچوب نظری پژوهش که پوشش دهنده فرضیات تحقیق هستند پرداخته می‌شود و سپس فرضیات و مدل تحقیق از دل آن‌ها استخراج خواهد شد.

لینچ معمار و شهرساز آمریکایی که به واسطه تعریف و تبیین مفهوم ذهنی (سیمای شهر) و نوشتن کتابی با همین نام نزد صاحب نظران و اندیشمندان علوم شهری شهرت دارد. به گفته او منظور از تصویر ذهنی (سیمای شهر)، همه‌ی برداشت‌ها، دانسته‌ها، باورها، حدس‌ها و چشم‌داشت‌هایی است که فرد از

محیط پیرامون خود دارد و ارزش‌ها، کیفیت‌ها، کارکردها و اولویت‌های متفاوتی را در ذهن وی پدید می‌آورد. این ذهنیت‌ها تابع همه دانسته‌هایی است که فرد تا آن برهه از زمان دریافت کرده و در ذهن خود انباشته است (Pakzad, 2013).

از نظر او سیما یا تصویر ذهنی طرحواره‌ای ارزش‌گذاری شده در ذهن فرد از منظر شهری است به زعم او تصویر ذهنی فرد از محیط دستاورد دو عامل اصلی است که از یک سو، خاطرات، روابط، تجربه‌ها، آرزوها و توقعات او که همه به صورت یک مجموعه ادراکی، زمینه‌ی پیوند میان فرد و منظر را فراهم می‌سازد و از سوی دیگر، دانسته‌های سه بعدی دریافت شده از «منظر»، تصویر ذهنی را به صورت طرح واره شکل می‌دهد. که در ذهن انسان نقش بسته و معنی پیدا می‌کند و همین تصاویر پایه و اساس هر نوع واکنش و رفتار او در محیط را شکل می‌دهد. این تصاویر تنها به زمان حال وابسته نبوده، بلکه با تصاویری از گذشته و آینده آمیخته شده و خاطرات او از گذشته و توقعاتش از آینده را می‌سازد (Ibid, 169).

به باور لینچ فضای شهری، تنها عناصر کالبدی شهر را در بر نمی‌گیرد بلکه همه انسان‌ها، کارها و رفتارشان را نیز شامل می‌شود. از نگاه او هر شهروندی پیوندی محکم و دیرینه با برخی از بخش‌های شهر داشته و تصویر ذهنی او با یادها و خاطره‌های بسیاری معنا پیدا می‌کند. وی در این میان بیشتر بر تأثیر کیفیت بصری شهر بر تصویر ذهنی او تأکید داشته و خوانایی و وضوح مناظر شهری را برای اثبات منظور خود بر می‌گزیند. منظور او از خوانایی، آن است که با استفاده از این مفهوم بتوان به آسانی اجزای شهری را شناسایی کرده، در ذهن جای داده و به‌هم پیوند بزند، لذا بر این اساس خوانایی و وضوح بر درک سیمای شهر تأثیر حائز اهمیت خواهد داشت (Ibid, 170).

بر مبنای نظریه‌ی کنش انسان بخشی از طبیعت است و از آن‌جایی که تغییرات موجود در طبیعت درباره‌ی انسان نیز صدق می‌کند (Ashtari, 2010: 240). او به همراه طبیعت در حال تغییر است. اما انسان از چه ساخته شده است و واقعیت انسان چیست؟ او خود نیز ساخته‌ی جامعه، روابط و نمادها است، به این صورت خود انسان هم همراه با جریان کنش متقابل به تدریج ساخته می‌شود. از این رو طبیعت انسان با نمادهای پیرامون او در حال ساخته شدن و یا به تعبیری دیگر در حال تغییر است. به این صورت طبیعت انسان از نمادها، روابط و جامعه که در پیرامون او قرار دارند شکل می‌گیرد و او در این مجموعه به همراه آن‌ها در حال تغییر است. البته خود انسان هم با مشارکت خلاقانه‌ی خود در حال دست‌کاری و تغییر نمادها است؛ او درک، انتخاب و سپس تفسیر می‌کند و در نهایت در این مسیر ساخته می‌شود (همان). پس می‌توان گفت انسان فعالانه و مدام خود را تغییر می‌دهد. در این میان آن‌چه اهمیت دارد خود افراد هستند. یعنی در این جریان کنش خودشان را در معرض تغییر قرار می‌دهند و این خود یک

ناهماهنگی‌های بصری در سیمای شهر اهواز و تأثیر آن بر رفتار اجتماعی ...

واقعیت فیزیکی ساده و ابتدایی نظام اجتماعی نیست بلکه بیان خاص آگاهی است (Ibid, 241). یعنی تغییر انسان همان تغییر آگاهی اوست. چرا که انسان در حال تفسیر است. مردم با این تکامل آگاهی از محیط، هویت خود را طی جریان تماس با دیگران کسب می‌کنند و از آنجا که رفتار و گرایش افراد درباره‌ی خویشتن حاصل چیزی است که دیگران درباره‌ی افراد می‌اندیشند، گرایش‌ها و رفتارهای آشکار همان چیزی است که از تأثیر دیگران بهره داشته و در جریان تماس و معاشرت کسب می‌شود (Tavassoli, 2008: 324). با این رویه، اشخاص از طریق سهیم‌شدن در تجربه‌ی جمعی و شکل گرفتن تصورات مشترک با آن، وسایلی را می‌جویند تا به‌طور نمادی با یکدیگر ارتباط برقرار کنند (Skidmore, 2008: 268). به‌کار بردن نمادها به کنشگران اجازه می‌دهد تا از زمان، مکان و حتی شخص خودشان پا فراتر گذارند. کنشگران با کاربرد نمادها می‌توانند درباره‌ی چگونگی زندگی در گذشته یا در آینده تخیل کنند (Ritzer, 1994: 285).

پیران نیز یکی از اندیشمندان جامعه‌شناس در حوزه شهر می‌باشد. وی یکی از شارحان و نظریه‌پردازان و از کسانی است که در حوزه شهر و شهرنشینی طرح‌ها و دیدگاه‌های بدیع و تازه‌ای را هم در سطح داخلی و هم بین‌المللی مطرح کرده است. وی معتقد است به جای مفهوم «حاشیه‌نشینی» بایستی از اصطلاح «اسکان غیررسمی» استفاده کرد. همچنین با تأکید بر مسئله مشارکت اجتماعی طرح‌هایی از قبیل «شهردار مدرسه»، «شورا یاری»، «طرح محله پاک»، «طرح سبز خواهان» و «طرح شهروند مداری و پایداری»، «طرح صندوق نوآوری جوانان» و... را ارائه نموده که در پاره‌ای از موارد مورد استفاده عملی قرار گرفته است. وی معتقد است در تعریف شهر دو محور «شهروندی» و «سطح مشارکت» بسیار حائز اهمیت است و برپایه همین دو محور دو تیپ ایده آل از شهر را معرفی می‌کند یعنی شهر شهروندمدار و شهر زورمندمدار، به زعم او فقدان شهروندی و تبعات آن به معنای ناشهر بودن هر مکان صرف نظر از سایر کیفیت‌ها و ویژگی‌های شهر است (Ghasemi, 2011: 359).

حبیبی معتقد است شهر ایرانی در دوره‌های مختلف رنگ فرهنگ و قدرت همان برهه زمانی را به خود گرفته است به زعم او، شهر امروز ما هم مانند ساکنانش دچار روزمرگی شده است، وی می‌گوید «به همان اندازه که من ایرانی بین گذشته، حال و آینده سرگردان هستم، به همان اندازه شهر ایرانی بین گذشته و هم آینده سرگردان است حال او هم خیلی خراب است، مثل حال من ایرانی، همان طور که من اندیشمند دارم روزمره زندگی می‌کنم شهر هم دچار روزمرگی است. بنابراین تمام گرفتاری ما با شهر این است، که در ذهن خودمان شهر دیگری داریم. این تضاد فلسفی است و در شهر به صورت بارز دیده می‌شود» (Ghasemi, 2011: 59).

پاکزاد از نظریه‌پردازان برجسته حوزه شهری در دوران معاصر می‌باشد وی که در این زمینه صاحب تألیفات زیادی بوده، در بسیاری از طرح‌ها و پروژه‌های عملی نیز صاحب تجربه است برخلاف بسیاری از معاصرین بُعد اجتماعی معماری و شهرسازی را بسیار مهم می‌داند به گونه‌ای که در همه آثارش تأکید بر

عنصر انسانی داشته و تلاش می‌کند با نگاهی انسان محور کوتاهی دیگران را جبران نماید. وی در تعریفی از مقوله شهر معتقد است شهر مجموعه‌ای در هم تنیده از ظرف و مظهر می‌باشد که هر اجتماعی بر اساس نیاز خاص خودش در آن فعالیت می‌کند و برای انجام این فعالیتش بستری فراهم می‌نماید. شهر را یک مکان جغرافیایی یا یک فضا نمی‌داند بلکه معجونی از فضا و انسان‌هایی که با تمام کثرت و تفاوت در سلیقه و نظر در آن زندگی می‌کنند می‌داند. مجموعه‌ای که به گونه‌ای تاریخمند بوده، از نگاه او تاریخمندی به این معنا نیست که تنها شهر دارای گذشته و حال و آینده است بلکه فرد و جمع ساکن آن نیز دارای این گذشته و حال و آینده مشترک است به بیانی دیگر هر چند افراد در ظاهر در اکنون زندگی می‌کنند اما هم زمان خاطراتی از گذشته و امید و آرزوهایی برای آینده دارند. لذا شهر مکانیست که در آن خاطرات جمعی و فردی و آرزوهای فردی و جمعی هم زمان پیش می‌روند و به همین دلیل این معجون، بسیار پیچیده‌تر از آن است که بتوان آن را در حال یا گذشته خلاصه کرد و یا اینکه تنها جنبه اجتماعی و کالبدی آن را در نظر گرفت (Ghasemi, 2011: 97).

آنچه درخصوص نظریه‌های به کار گرفته شده در پژوهش حاضر نشان می‌دهد بیانگر این مطلب است که شهر به عنوان یک پدیده اجتماعی مجموعه‌ای بهم پیوسته و سیستماتیک می‌باشد. برای بررسی و تجزیه و تحلیل اجزای این مجموعه بایستی با نگاهی همه جانبه، که هم ابعاد کالبدی و فیزیکی پدیده را لحاظ نماید و هم روابط و مناسبات اجتماعی و همین‌طور شکل و عناصر تشکیل دهنده این مجموعه را مورد توجه قرار دهد با این پدیده برخورد شده و آن را مورد بررسی قرار داد به تعبیر صاحب‌نظران مسائل و مشکلات شهری تنها خاص جامعه ایران نیست بلکه هر کدام از شهرهای جهان به فراخور شرایط و جایگاه و سابقه تاریخی در تجربه مدنیت به میزانی با مشکلات شهری دست به گریبان هستند اما چیزی که مسائل و مشکلات شهر ایرانی را مضاعف می‌نماید در مرحله نخست نبود یک برنامه مدون و استراتژیک بوده که بعنوان راهنما و هادی مدیران، مورد استفاده قرار گیرد مضافاً بر اینکه، نه اراده ای برای تدوین چنین برنامه‌ای وجود دارد و نه حتی میلی به انجام چنین کاری دیده می‌شود مدیران و متولیان شهری با آگاهی و تجربه محدود خود آن هم به روش سنتی در صدد حل مشکلات بصورت موقت و موضعی هستند.

از مجموعه دیدگاه‌ها و نظریه‌هایی که در ارتباط با موضوع پژوهش بوده و درحد توان سعی کردیم از آن‌ها استفاده کنیم چنین برمی‌آید که شهر و شهرنشینی جامعه ایرانی امروز با مشکلات عدیده‌ای هم در بعد بصری و هم ارتباطی مواجه است. در بعد بصری سیما، منظر، ریخت، کالبد شهری آنگونه که نظریه‌پردازانی همچون لینچ، کالن، کریبر و لفور بر آن تأکید کرده و آن را مورد واکاوری قرار داده‌اند ما با مشکلات دراز آهنگی مواجه بوده و هستیم که مطالعه و تدقیق در فضا و عناصر کالبدی شهر بایستی

ناهماهنگی‌های بصری در سیمای شهر اهواز و تأثیر آن بر رفتار اجتماعی ...

مورد واکاوی و بازاندیشی مداوم قرار گیرد اما آنچه از کالبد و فیزیک اهمیت بیشتری دارد و نظریه‌پردازان بر آن تأکید داشته‌اند مناسبات و مراودات اجتماعی حاکم بر شهر ایرانی است که هم نظریه‌پردازان خارجی و هم داخلی به طور مشترک بر آن تأکید دارند مسائلی در حوزه مدیریت شهر، حقوق شهروندی، حق به شهر، عدالت اجتماعی شهر، شهر پیاده، مشارکت، هویت، اعتماد، تعلق اجتماعی، شادی و ... همگی از مجموعه نظریاتی بوده که نظریه‌پردازانی همچون اپلیارد، هاروی، لینچ، کاستلز، گل، لفور، کالن، حبیبی، پاکزاد، پیران و ... به آن اشاره کرده‌اند و ما با در نظر گرفتن مجموعه این دیدگاه‌ها چارچوب نظری خود را به شکلی تلفیقی انتخاب کردیم. لذا بر این اساس فرضیه‌های ذیل مورد بررسی قرار خواهند گرفت:

- ۱- بین ناهماهنگی‌های بصری در سیمای شهر اهواز و آرامش روانی شهروندان رابطه وجود دارد.
- ۲- بین ناهماهنگی‌های بصری در سیمای شهر اهواز و احساس تعلق شهروندان رابطه وجود دارد.
- ۳- بین ناهماهنگی‌های بصری در سیمای شهر اهواز و هویت شهروندی رابطه وجود دارد.
- ۴- بین ناهماهنگی‌های بصری در سیمای شهر اهواز و رفتارهای وندالیستی شهروندان رابطه وجود دارد.

ابزار و روش

روش مورد استفاده در این پژوهش بصورت چند بعدی یعنی تلفیقی از روش کمی و کیفی (پیمایش (پرسشنامه) و مصاحبه) می باشد. در این جا منظور از چند بعدی نیز همین تلفیق روش‌های کیفی و کمی است. «در این حالت دیدگاه‌های روش‌شناختی ممکن است یکدیگر را در مطالعه موضوع کامل کنند، به این معنا که نقاط کور و ضعف هم دیگر را پوشش می‌دهند» (Flick, 2008: 41). برای این منظور ابتدا برای جمع‌آوری مطالب و مباحث مربوط به ناهماهنگی بصری در سیمای شهر اهواز از طریق روش اسنادی به بررسی منابع مربوط پرداخته شد و مطالب مربوط به آن با هدف به کارگیری مناسب در امر تحقیق، مورد توصیف، تبیین و تفسیر قرار گرفت. سپس در مرحله دوم از روش پیمایش استفاده می‌شود و از طریق ابزار پرسشنامه به جمع‌آوری اطلاعات درباره جامعه آماری مورد مطالعه مبادرت شد. جامعه آماری پژوهش نیز حاضر کلیه شهروندان ۱۵ سال به بالای شهر اهواز می‌باشند که تعدادشان بر اساس آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۸۵۶۲۳۰ نفر گزارش شده است که بر اساس فرمول کوکران تعداد ۳۸۷ نفر انتخاب گردید. از طرفی از روش کیفی و ابزار مصاحبه نیز برای تحلیل آسیب‌های اجتماعی موجود در حوزه شهر اهواز با صاحب‌نظران و نخبگان شهری صحبت کردیم. منظور از روش کیفی روشی هست که در آن محقق سعی می‌کند به عنوان یکی از افراد مورد مطالعه به موضوع نزدیک شده و به صورت مشارکتی به مطالعه موضوع بپردازد. که نتایج در پایان مقاله در قالب نتیجه‌گیری و پیشنهادات آورده شد. به این ترتیب نگارنده هر دو روش کمی و کیفی را برای جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها

به کار برده است؛ اما چنانچه گذشت با تأکید و استفاده از انواع تکنیک‌ها و داده‌ها از مصاحبه و مشاهده، پرسشنامه تا اسناد و سایر شکل‌های عمل شده است.

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی:

جدول زیر نتیجه آزمون t تک نمونه‌ای برای متغیر آرامش روانی را نشان می‌دهد. میانگین این روابط به ۲۰۰۸ به دست آمده است و با توجه به این که در پرسشنامه از طیف لیکرت استفاده شده است. و با توجه به ۵ طیفی بودن آن سطح میانه ۳ می‌باشد پس عدد شاخص را برابر ۳ انتخاب می‌کنیم به این ترتیب با مقایسه این دو عدد متوجه می‌شویم که میزان آرامش روانی کمتر از سطح میانه است. سطح معناداری آزمون ۰۰۰۰ بوده که از ۰۰۰۵ کمتر است و قابلیت تعمیم به جامعه آماری را دارد.

جدول شماره ۱: آزمون T تک نمونه‌ای آرامش روانی

95% Confidence Interval of the Difference		میزان معناداری	درجه آزادی	میانگین	مقدار آماره تی	
Upper	Lower	.000	۳۸۶	۲۰۰۸	12.102	آرامش روانی
.9301	.6699					

جدول شماره ۲: آزمون T تک نمونه‌ای مولفه‌های ناهماهنگی بصری

95% Confidence Interval of the Difference		میزان معناداری	درجه آزادی	مقدار آماره تی	میانگین	
Upper	Lower	.000	۳۸۶	-14.972	1.9733	سیما و منظر
-.8917	-1.1616	.000	۳۸۶	-3.386	2.7633	مبلمان شهری
-.0991	-.3742	.001	۳۸۶	-.903	2.8300	فضای کالبدی
.2004	-.5404	.367	۳۸۶	.508	3.0367	ریخت شهر
.1786	-.1053	.612	۳۸۶			

با توجه به جدول فوق مشاهده می‌شود که ویژگی‌های منظر و سیما و مبلمان شهری و کالبد فضایی در شهر پایین تر از میانه نظری بوده و ریخت شهر با میانه نظری برابر است. سطح معناداری کمتر از صفر بوده و با اطمینان ۰.۹۵ درصد می‌توان گفت که شهر از نظر کیفیت منظر و سیما و مبلمان شهری و کالبد فضایی رو به پایین قرار دارد. در این شهر مؤلفه ریخت شهر تقریباً با میانه نظری برابر است. حال با استفاده از آزمون تی دو ارتباط تک تک مؤلفه‌های رفتاری را با مؤلفه‌های ناهماهنگی بصری تحت آزمون تی دو بررسی می‌کنیم.

ناهماهنگی‌های بصری در سیمای شهر اهواز و تأثیر آن بر رفتار اجتماعی ...

یافته‌های استنباطی:

فرضیه اول: بین ناهماهنگی‌های بصری در سیمای شهر اهواز و آرامش روانی شهروندان رابطه وجود دارد.

جدول شماره ۳: آزمون خی دو جهت آزمون استقلال مولفه آرامش روانی و منظر

مقدار	درجه آزادی	میزان معنی داری	میزان خطا
547.603	16	.000	.000
330.946	16	.000	.000
۳۸۷			

جدول فوق نتایج آزمون خی دو را نشان می‌دهد با توجه به میزان معنی‌داری در مقابل میزان خطا ($0.05 < 0$) فرض ارتباط مولفه آرامش روانی و منظر پذیرفته می‌شود. در واقع با توجه به این نمونه مورد بررسی تایید می‌شود که ناهماهنگی در منظر شهری روی آرامش روانی افراد مؤثر است.

جدول شماره ۴: آزمون خی دو جهت آزمون استقلال مولفه آرامش روانی و مبلمان شهری

مقدار	درجه آزادی	میزان معنی داری	میزان خطا
256.109	16	.000	.000
203.126	16	.000	.000
۳۸۷			

جدول فوق نتایج آزمون خی دو را نشان می‌دهد با توجه به میزان معنی‌داری در مقابل میزان خطا ($0.05 < 0$) فرض ارتباط مولفه آرامش روانی و مبلمان شهری پذیرفته می‌شود. در واقع با توجه به این نمونه مورد بررسی تایید می‌شود که ناهماهنگی در مبلمان شهری با آرامش روانی شهروندان ارتباط دارد.

جدول شماره ۵: آزمون خی دو جهت آزمون استقلال مولفه آرامش روانی و فضای کالبدی

مقدار	درجه آزادی	میزان معنی داری	میزان خطا
139.242	16	.000	.000
109.634	16	.000	.000
۳۸۷			

جدول فوق نتایج آزمون خی دو را نشان می‌دهد با توجه به میزان معنی‌داری در مقابل میزان خطا ($0.05 < 0$) فرض ارتباط مولفه آرامش روانی و چگونگی فضای کالبدی رد نمی‌شود. در واقع با توجه به این نمونه مورد بررسی تایید می‌شود که ناهماهنگی در ساخت فضای کالبدی با آرامش روانی شهروندان ارتباط دارد.

جدول شماره ۶: آزمون خی دو جهت آزمون استقلال مؤلفه آرامش روانی و ریخت شهر

مقدار	درجه آزادی	میزان معنی داری	میزان خطا
59.393	16	.000	.۰۰۵
64.523	16	.000	.۰۰۵
۳۸۷			تعداد نمونه

جدول فوق نتایج آزمون خی دو را نشان می‌دهد با توجه به میزان معنی‌داری در مقابل میزان خطا ($0.05 < p$) فرض ارتباط مؤلفه آرامش روانی و ریخت شهر رد نمی‌شود. در واقع با توجه به این نمونه مورد بررسی تأیید می‌شود که ناهماهنگی در ریخت شهر در آرامش روانی شهروندان مؤثر است. با توجه به نتیجه ۴ آزمون فوق به‌طور کلی فرض "بین ناهماهنگی‌های بصری در سیمای شهر اهواز و آرامش روانی شهروندان رابطه معنی‌داری وجود دارد" پذیرفته می‌شود.

فرضیه دوم: بین ناهماهنگی‌های بصری در سیمای شهر اهواز و احساس تعلق شهروندان رابطه وجود دارد.

جدول شماره ۷: آزمون T تک نمونه ای احساس تعلق اجتماعی

مقدار آماره میاتگین		درجه آزادی	میزان معناداری	95% Confidence Interval of the Difference	
تی					
-11.927	۲.۲	۳۸۶	.000	Upper	Lower
				.9301	.6699

جدول فوق نتیجه آزمون t تک نمونه‌ای برای متغیر احساس تعلق اجتماعی را نشان می‌دهد. میانگین این روابط ۲.۲ به دست آمده است و با توجه به این که در پرسشنامه از طیف لیکرت استفاده شده است. و با توجه به ۵ طیفی بودن آن سطح میانه ۳ می‌باشد پس عدد شاخص را برابر ۳ انتخاب می‌کنیم به این ترتیب با مقایسه این دو عدد متوجه می‌شویم که میزان احساس تعلق اجتماعی کمتر از سطح میانه است. حال به بررسی ارتباط مؤلفه رفتاری احساس تعلق و مؤلفه‌های ناهماهنگی‌های بصری می‌پردازیم. جدول‌های شماره ۸ الی ۱۱ این فرض را بررسی می‌کنند.

جدول شماره ۸: آزمون خی دو جهت آزمون استقلال مؤلفه احساس تعلق و منظر

مقدار	درجه آزادی	میزان معنی داری	میزان خطا
197.981	16	.000	.۰۰۵
131.740	16	.000	.۰۰۵
۳۸۷			تعداد نمونه

ناهماهنگی‌های بصری در سیمای شهر اهواز و تأثیر آن بر رفتار اجتماعی ...

جدول فوق نتایج آزمون خی دو را نشان می‌دهد با توجه به میزان معنی‌داری در مقابل میزان خطا ($0.05 < 0$) فرض ارتباط مولفه احساس تعلق و منظر شهری رد نمی‌شود. در واقع با توجه به این نمونه مورد بررسی تأیید می‌شود که ناهماهنگی در منظر شهری با آرامش روانی شهروندان ارتباط دارد.

جدول شماره ۹: آزمون خی دو جهت استقلال مولفه احساس تعلق و مبلمان شهری

مقدار	درجه آزادی	میزان معنی داری	میزان خطا
78.898	16	.000	.05
74.383	16	.000	.05
۳۸۷			تعداد نمونه

جدول فوق نتایج آزمون خی دو را نشان می‌دهد با توجه به میزان معنی‌داری در مقابل میزان خطا ($0.05 < 0$) فرض ارتباط مولفه احساس تعلق و مبلمان شهری رد نمی‌شود. در واقع با توجه به این نمونه مورد بررسی تأیید می‌شود که ناهماهنگی در به کارگیری نوع مبلمان شهری و میزان احساس تعلق شهروندان ارتباط وجود دارد.

جدول شماره ۱۰: آزمون خی دو جهت استقلال مولفه احساس تعلق و فضای کالبدی

مقدار	درجه آزادی	میزان معنی داری	میزان خطا
80.670	16	.000	.05
61.428	16	.000	.05
۳۸۷			تعداد نمونه

جدول فوق نتایج آزمون خی دو را نشان می‌دهد با توجه به میزان معنی‌داری در مقابل میزان خطا ($0.05 < 0$) فرض ارتباط مولفه احساس تعلق و فضای شهری رد نمی‌شود. در واقع با توجه به این نمونه مورد بررسی تأیید می‌شود که ناهماهنگی فضاهای کالبدی در میزان احساس تعلق شهروندان مؤثر است.

جدول شماره ۱۱: آزمون خی دو جهت استقلال مولفه احساس تعلق و ریخت شهر

مقدار	درجه آزادی	میزان معنی داری	میزان خطا
26.489	16	.048	.05
.229۶۰	16	.022	.05
۳۸۷			تعداد نمونه

جدول فوق نتایج آزمون خی دو را نشان می‌دهد با توجه به میزان معنی‌داری در مقابل میزان خطا ($0.05 < 0.48$) فرض ارتباط مولفه احساس تعلق و ریخت شهری رد نمی‌شود. در واقع با توجه به این نمونه مورد بررسی تأیید می‌شود که بین ریخت شهر و میزان احساس تعلق شهروندان ارتباط معنی‌دار وجود دارد.

با توجه به نتیجه ۴ آزمون فوق به طور کلی فرض "بین ناهماهنگی‌های بصری در سیمای شهر اهواز و احساس تعلق شهروندان رابطه معنی داری وجود دارد" پذیرفته می‌شود.

فرضیه سوم: بین ناهماهنگی‌های بصری در سیمای شهر اهواز و هویت شهروندی رابطه وجود دارد.

جدول شماره ۱۲: آزمون T تک نمونه‌ای هویت شهروندی

95% Confidence Interval of the Difference		میزان معناداری	درجه آزادی	میانگین	مقدار آماره	تی
Upper	Lower					
		.000	۳۸۶	۲.۳	۵۷۶.۱۰۰	هویت شهروندی
-.۵۳۹۹	-.۰۷۸۵۶					

جدول فوق نتیجه آزمون t تک نمونه‌ای برای متغیر هویت شهروندی را نشان می‌دهد. میانگین این روابط ۲.۳ به دست آمده است و با توجه به این که در پرسشنامه از طیف لیکرت استفاده شده است. و با توجه به ۵ طیفی بودن آن سطح میانه ۳ می‌باشد پس عدد شاخص را برابر ۳ انتخاب می‌کنیم به این ترتیب با مقایسه این دو عدد متوجه می‌شویم که میزان هویت شهروندی کمتر از سطح میانه است. حال به بررسی ارتباط مؤلفه رفتاری هویت شهروندی و مؤلفه‌های ناهماهنگی‌های بصری می‌پردازیم. جدول‌های شماره ۱۳ الی ۱۶ این فرض را بررسی می‌کنند.

جدول شماره ۱۳: آزمون خی دو جهت آزمون استقلال مؤلفه هویت شهروندی و سیما و منظر

میزان خطا	میزان معنی داری	درجه آزادی	مقدار	میزان خی دو
.۰۰۵	.000	16	108.972	
.۰۰۵	.000	16	76.188	میزان احتمال
			۳۸۷	تعداد نمونه

جدول فوق نتایج آزمون خی دو را نشان می‌دهد با توجه به میزان معنی‌داری در مقابل میزان خطا ($0.00 < 0.05$) فرض ارتباط مؤلفه هویت شهروندی و سیما و منظر رد نمی‌شود. در واقع با توجه به این نمونه مورد بررسی تأیید می‌شود که بین سیما و منظر شهر و هویت شهروندی ارتباط معنی‌دار وجود دارد.

جدول شماره ۱۴: آزمون خی دو جهت آزمون استقلال مؤلفه هویت شهروندی و مبلمان شهری

میزان خطا	میزان معنی داری	درجه آزادی	مقدار	میزان خی دو
.۰۰۵	.000	16	64.833	
.۰۰۵	.000	16	56.297	میزان احتمال
			۳۸۷	تعداد نمونه

جدول فوق نتایج آزمون خی دو را نشان می‌دهد با توجه به میزان معنی‌داری در مقابل میزان خطا ($0.00 < 0.05$) فرض ارتباط مؤلفه هویت شهروندی و مبلمان شهری رد نمی‌شود. در واقع با توجه به این

ناهماهنگی‌های بصری در سیمای شهر اهواز و تأثیر آن بر رفتار اجتماعی ...

نمونه مورد بررسی تایید می‌شود که المان‌های به کارگرفته شده در مبلمان شهری و هویت شهروندی ارتباط معنی‌دار وجود دارد.

جدول شماره ۱۵: آزمون خی دو جهت استقلال مؤلفه هویت شهروندی و فضای کالبدی

مقدار	درجه آزادی	میزان معنی داری	میزان خطا
37.889	16	.009	.۰۰۵
34.119	16	.025	.۰۰۵
۳۸۷			نعداد نمونه

جدول فوق نتایج آزمون خی دو را نشان می‌دهد با توجه به میزان معنی‌داری در مقابل میزان خطا ($0.009 < 0.05$) فرض ارتباط مؤلفه هویت شهروندی و فضای کالبدی رد نمی‌شود. در واقع با توجه به این نمونه مورد بررسی تایید می‌شود که بین ساخت فضای شهری و هویت شهروندی ارتباط معنی‌دار وجود دارد.

جدول شماره ۱۶: آزمون خی دو جهت استقلال مؤلفه هویت شهروندی و ریخت شهر

مقدار	درجه آزادی	میزان معنی داری	میزان خطا
17.807	16	.335	.۰۰۵
20.329	16	.206	.۰۰۵
۳۸۷			نعداد نمونه

جدول فوق نتایج آزمون خی دو را نشان می‌دهد با توجه به میزان معنی‌داری در مقابل میزان خطا ($0.335 > 0.05$) فرض ارتباط مؤلفه هویت شهروندی و ریخت شهر را نمی‌توانیم بپذیریم در واقع در این نمونه ارتباط چندانی را بین هویت شهروندی و ریخت شهر ملاحظه نمی‌شود. ولی در حالت کلی با توجه به نتیجه ۳ آزمون دیگر به طور کلی فرض "بین ناهماهنگی‌های بصری در سیمای شهر اهواز و هویت شهروندی رابطه معنی‌داری وجود دارد" پذیرفته می‌شود. فرضیه چهارم: بین ناهماهنگی‌های بصری در سیمای شهر اهواز و رفتارهای وندالیستی شهروندان رابطه وجود دارد.

جدول شماره ۱۷: آزمون T تک نمونه ای رفتارهای وندالیستی

95% Confidence Interval of the Difference		میزان معناداری	درجه آزادی	میانگین	مقدار آماره تی	رفتارهای وندالیستی
Upper	Lower					
-۰.۲۸۳۴	-۰.۵۴۳۲	.000	۳۸۶	۲.۵۸	-۶.۲۶۳	

جدول فوق نتیجه آزمون t تک نمونه‌ای برای متغیر رفتارهای وندالیستی را نشان می‌دهد. میانگین این روابط ۲.۵۸ به دست آمده است و با توجه به این که در پرسش نامه از طیف لیکرت استفاده شده است. و با توجه به ۵ طیفی بودن آن سطح میانه ۳ می‌باشد پس عدد شاخص را برابر ۳ انتخاب می‌کنیم

به این ترتیب با مقایسه این دو عدد متوجه می‌شویم که میزان رفتارهای وندالیستی کمتر از سطح میانه است.

حال به بررسی ارتباط مؤلفه رفتارهای وندالیستی و مؤلفه‌های ناهماهنگی‌های بصری می‌پردازیم. جدول‌های شماره ۱۷ و ۱۸ این فرض را بررسی می‌کنند.

جدول شماره ۱۸: آزمون خی دو جهت آزمون استقلال مؤلفه رفتارهای وندالیستی و منظر شهری

مقدار	درجه آزادی	میزان معنی داری	میزان خطا
68.037	16	.000	۰.۰۵
62.868	16	.000	۰.۰۵
۳۸۷			تعداد نمونه

جدول فوق نتایج آزمون خی دو را نشان می‌دهد با توجه به میزان معنی‌داری در مقابل میزان خطا ($0.05 < 0.00$) فرض ارتباط مؤلفه رفتارهای وندالیستی و منظر شهری را می‌توانیم بپذیریم در واقع در این نمونه ارتباط بین رفتارهای وندالیستی و منظر شهری وجود دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

اغتشاش و بی‌نظمی، نبود رنگ، نور، پیش آمدگی و فرورفتگی‌های مکرر و بی‌جا، گشادگی و تنگی نابجا در دسترسی، مصرف مصالح نامناسب و نابجا، ورودی‌های نازیبا، میادین کوچک و ناکارآمد، تابلوهای نامناسب و رنگ و رو رفته، میلمان نازیبا و... همه و همه منظر شهری را غیر معمارانه را برای شهرهای ما به ویژه اهواز به همراه داشته است.

مسئله وجود این ناهماهنگی‌های بصری در روابط و مناسبات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی شهروندان تأثیرگذار بوده، حاصل چنین فضاهایی به نامی «بی‌هویتی» بی‌اعتمادی، دزدی، اعتیاد، فحشا و فساد و از نظر کالبدی نیز بر شکل و معماری شهر و المان‌های منظر شهری در ریخت و فرم شهر و... تأثیرگذار خواهد بود.

آنچه که زمینه رشد چنین ناهماهنگی‌هایی را فراهم ساخته و دامن می‌زند، کسب سود و منافع مادی برای طبقه‌ای خاص از جامعه است. طبقه‌ای که امکانات وسیع اقتصادی، قدرت سیاسی، اجتماعی مهار ناشدنی را به آنها داده است. و به طور سیری ناپذیر به دنبال کسب منافع بیشتری باشند. بدون اینکه در آن زمینه، تخصص و شایستگی لازم را داشته باشند. متأسفانه بیشتر کسانی که در حوزه ساخت و ساز مشغول به کار هستند کمترین اطلاع و تخصصی در زمینه مطالب علمی و آکادمیک از شهرسازی و معماری و جامعه‌شناسی شهری دارند به همین دلیل نیز، به ویژه پس از انقلاب، رشد شهرها شکلی

ناهماهنگی‌های بصری در سیمای شهر اهواز و تأثیر آن بر رفتار اجتماعی ...

بی‌قواره و بدون توجه به اصول شهرسازی و منافع جمعی و تنها در جهت خواست و اراده بساز و بفروش‌ها و صاحبان منافع حرکت کرده است.

بنابراین چنانچه بدنبال شناخت آسیب‌های بصری و ایجاد تصور بهتری از شهر هستیم. لازم دست‌المان‌های مهم و تأثیرگذار در این زمینه مورد واکاوی قرار گرفته و در مقالات، پایان‌نامه‌ها و کتب درسی آنقدر گفته و تکرار شوند تا هم متولیان امور شهر و هم شهروندان را نسبت به حقی که از آنها ضایع می‌شود آگاه نماییم لذا بر حسب وظیفه و دینی که ایجاد شده در این پژوهش به دنبال شفافیت و آگاهی بخشی درخصوص المانهای تأثیرگذار بر ناهماهنگی بصری در فضای شهری اهواز بوده و همین‌طور شناخت این نوع آلودگی‌های دیداری که در دراز مدت می‌توانند تأثیر سوپی بر ناهنجاریهای اجتماعی و حتی بیماری‌های روانی داشته باشند مورد بررسی قرار گرفت.

ناهماهنگی‌هایی که شاید به تعبیر استاد «حبیبی» در از شارتا شهر بخاطر التقاط و آشفتگی بوده که در دوره قاجار شهر و شهرسازی ما به آن مبتلا شده است. به زعم ایشان شهر ایرانی دوره قاجار دل در گرو شهر فرنگی داشته و عشوه‌گری‌هایش ولی هنوز نمی‌تواند دل از عشق دیرین و دیرپایش برکند. لذا شهر آمیخته‌ای می‌شود از عشوه‌گری‌های فرنگی و طنازی‌های بومی. باغ‌فین‌کاشان، باغ‌شاهزاده کرمان (ماهان) بازار و کیل کرمان، باغ گلشن شیراز، مجموعه ابراهیم‌خان کرمان، مجموعه و میدان خان یزد و ... بالاخره تهران که در کلیت خویش نشان از چنین دلباختگی و دلدادگی دارند، و همین باعث شده تا مفاهیم و ارزش‌های جدید سر از شکل‌ها و کالدهای قدیم درآورند و مفاهیم و ارزش‌های کهن لباس زمانه به تن کنند (Habibi, 2005).

اما مهم‌تر از هر آنچه در شهرهای امروزی از آن غافل مانده ایم، وجود یک فضای عمومی مناسب به معنای دقیق کلمه است. فضایی که در آن برخورد اجتماعی صورت گرفته، کرامت انسانی حفظ شود، حقوق مدنی و شهروندی رعایت گردد. هویت ایرانی محترم شمرده شود. آزادیهای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی محترم و رعایت گردد. و خلاصه به تعبیر هابرماس، فضای تعامل اجتماعی و عمومی مهیا و آماده گردد. که طبعاً وجود چنین فضایی به تعامل و مشارکت بیشتر مردم در نتیجه توسعه پایدار شهری منجر خواهد شد.

امروزه شهرهای ما از وجود اشکال بسیار متنوع و متفاوت در نما، مصالح، ارتفاع، رنگ، بازشوها با ابعاد و فرم‌های نامناسب در کوچه و خیابان «پیش‌آمدگی و پس‌رفتگی‌های بی‌مورد، تراس‌ها و بالکن‌های نامناسب با فواصل متفاوت از لبه خیابان‌ها، تابلوهای متفاوت و ناساز دودکش‌ها، آنتن‌ها، خرپشته‌ها و تأسیسات نامناسب و نافرمانی‌های و گرمایشی، بر روی پشت‌بام‌ها و اغلب در منظر و نمای ساختمان سیم‌ها و کابل‌های نامنظم و آشفته برق و تلفن بر روی دیوارها و آویزان در هوا و منظر عمومی و در روی زمین نیز کابل‌های روباز و معماری نشده، لبه‌ها و جداول نافرمانی و بی‌نظم، نبود محل‌های مناسب برای جمع‌آوری زباله، پسماند و در نتیجه زباله‌های پراکنده در سطح شهر و بسیاری موارد دیگر

مجموعه‌ای ناهماهنگ و آلوده را در سیما و منظر شهری که بواقع از حقوق عمومی محسوب شده و کسی حق تعرض به آن را ندارد، ایجاد کرده که خود می‌تواند منشاء بسیاری از رفتارها و کش‌های پرخاشگرانه و تألمات روحی و روانی شهروندان گردد.

از سوی دیگر تجزیه و تحلیل نتیجه مطالعات و تحقیق حاضر بر اساس تحلیل کیفی بیانگر این است که اغتشاش و ناهماهنگی معضلی است که امروزه دامنگیر همه شهرهای ما شده است اما در این میان اهواز با وجود امکانات طبیعی و شرایط مناسب برای تبدیل شدن به یک شهر توریستی و خوش منظر همچون دیگر شهرها با این مشکل مواجه است. مشکلی که عمده آن به نبود قانون و سوء مدیریت در حوزه ی شهری و عدم تمایل به استفاده از تجربیات دیگر کشورها و پاره ای عوامل داخلی همچون نگاه قومی، جناحی، گروهی، دینی و.... مانع از رشد و توسعه به ویژه در منظر و سیمای بصری شهر شده است. مضافاً بر اینکه عده ای کاسبکارانه تنها به فکر منافع و جیب خود بوده و دیگر حق و حقوقی برای شهروندی که در این محیط زندگی می کند و باید از این محیط حظ بصری ببرد قائل نیستند. بساز و بفروش هایی که بهتر است همان اصطلاح عامه مردم را در موردشان بکار ببریم «بساز و بنداز» این گروه از افراد به دنبال رشد بی‌برنامه و بدون نظارت عده‌ای که نه سواد و اطلاعات معماری، شهرسازی و حتی مهندسی سازه دارند و نه حاضرند مشاورینی با این تخصصی‌ها را استخدام کرده تا راهبر و هادی آنها باشند به مرور پا گرفته و هم اکنون نیز مقابله و برخورد با آنها هزینه زیادی برای متولیان شهری دارد. لذا ملاحظه می‌کنیم مصالح حمام را در نمای ساختمان و مصالح غیر بومی و بعضاً غیر کارا در گرمای خوزستان را در ساختمان‌های خود به کار می‌گیرند. این در حالی است که پاره ای از آنها دچار توهم شده و می‌خواهند با نوآوری (به زعم خودشان) سازه های پست مدرن هم بسازند در نتیجه یا نما را کج و معوج ساخته و یا مصالحی مانند شیشه و.... را در قالب سازه پست مدرن به خورد خلق الله می‌دهند و این می‌شود که دیگر چیزی به نام نما و منظر و سیمای شهری هماهنگ پیدا نمی‌شود. لذا شهروند نیز حظی نبرده و دچار بحران هویتی شده و معلق و آویزان و سردرگم می‌ماند.

در این راستا ارتفاع ناهمسان ساختمان‌ها، ترکیب ناهماهنگ و نامتجانس خطوط عمومی و افقی در نمای ساختمان‌ها، پنجره‌های ناهمگون و ورودی‌های متنوع در شکل و اندازه، رنگ‌های گوناگون و ناهماهنگ مصالح، کمبود نور و.... از مظاهر ناهماهنگی بصری محسوب می‌شوند. به همین دلیل و به منظور حظ بصری در نما و منظر شهری قانون‌گذاران بایستی نما و منظر را ضابطه‌مند کنند زیرا همین نمای مغشوش به همراه استفاده از مصالح نامناسب نشان از نبود قاعده و قانون در این خصوص بوده و موجبات کاهش شور و شادی را فراهم می‌کند. هر چقدر بخش‌های مختلف از فضای شهر از نظم بصری بیشتری برخوردار باشند اغتشاش رفتاری نیز کاهش می‌یابد و حتی در پاره‌ای از موارد نقاطی از شهر و به

ناهماهنگی‌های بصری در سیمای شهر اهواز و تأثیر آن بر رفتار اجتماعی ...

ویژه میادین مانند یک بوم رنگی بی هویت و مغشوش هستند و همین بر رفتار اجتماعی تأثیر گذاشته و باعث عصبیت و افسردگی جامعه خواهد شد. حتی استفاده از رنگ، نور و فرم بدون هارمونی و نظم لازم در کنار یکدیگر، آشفتگی بصری را به همراه خواهد داشت در این میان باید اضافه کرد ارتفاع مناسب برای مناطق مختلف بایستی تعریف شده و قانونمند شود زیرا خیابان‌هایی که ساختمان‌های آن به صورت یک در میان کوتاه و بلند باشند مانند دهانی است که تعدادی از دندان‌های آن افتاده باشد حتی تک ساختمان‌های بلند مرتبه در میان خانه‌های یک و دو طبقه چشم انداز بصری مطلوبی ندارند و خلاصه اینکه عدم هماهنگی بناهای مجاور هم از نظر نما و هم ارتفاع، کالبد و رنگ آلودگی و ناهماهنگی بصری را به همراه خواهد داشت به این مجموعه اضافه کنید، نابسامانی دست فروش‌های حاشیه خیابان‌ها، نبود یا کمبود پوشش گیاهی در بلوارها و خیابانها، ناهماهنگی در استفاده از الگوی معماری مناسب در مصالح مصرفی و همین طور حرکت درهم برهم انسان و ماشین بدون توجه به علائم راهنمایی و رانندگی حتی حضور و وجود خودروهای مستهلک و از رده خارج به ویژه تاکسی‌ها و یا اینکه هر وسیله شخصی هم مجاز به مسافركشی باشد و بسیاری موارد دیگر همه و همه باعث ناهماهنگی بصری و در نتیجه کاهش طراوت و شادابی در فضای شهری خواهند شد. چیزی که امروزه اغتشاش بصری را مضاعف نموده وجود تابلوها، بیلبوردها و بنرها و دیوارنویس‌های تبلیغاتی در اندازه‌ها، رنگ‌ها و شکل‌های مختلف با ارائه اطلاعات اضافه و غیرضروری است که به خستگی و اغتشاش ذهنی افراد منجر شده و باعث چندگانگی ذهنی و آشوب بصری خواهد شد.

علاوه بر این بالکن‌ها که زمانی به عنوان پل ارتباطی درون و بیرون محسوب می‌شدند هم اکنون تبدیل محلی برای جا دادن دیش ماهواره، لوازم اضافه و... شده اند. در این میان سیم‌ها و کابل‌های برق و تلفن که به شکل غیر اصولی و نامنظم همچون ماری سیاه بر روی دیوارها لغزیده و ذهن بیننده را آزار داده، به علاوه ساختمان‌های نیمه ساخته و مصالح پراکنده در کنار آن‌ها و زباله‌های دپو شده در هر کوی و برزن موجب آشفتگی روحی و روانی جامعه شده و در مجموع به کاهش سرزندگی و شادابی جامعه منجر خواهند شد.

هر چقدر مراکز شهری یکپارچه‌تر و هماهنگ‌تر طراحی و ساخته شوند قادر خواهند بود افراد بیشتری را جذب کرده و در نتیجه رونق و گسترش بیشتری پیدا خواهند کرد. این یکپارچگی می‌تواند در زمینه کف سازی پیاده‌روها، نمای ساختمان‌ها، ارتفاع ساختمان‌ها و رنگ مصالح مصرفی در فضاهای همگانی صورت پذیرد در ضمن با توجه به اینکه بخش عمده‌ای از عمر و زندگی روزمره شهروندان در آزاد راه‌ها و بزرگراه‌ها صرف و هزینه می‌شود و اولویت حرکت نیز در این قبیل مسیرها با سواره است یعنی شهروند در حالی که سوار بر خودروی شخصی خود است از این معابر عبور می‌کند لازم است طراحان و برنامه‌ریزان شهری نه تنها در فکر حل کردن مسئله ترافیک و ایمنی در این قبیل گذرگاه‌ها بوده بلکه

بایستی منظر و سیمای دلنشینی در اطراف این معابر طراحی کرده تا با ساخت و طرح مناظر زیبا حظ بصری عابران را موجب گردند.

مسئله آلودگی بصری از قبیل ناهماهنگی در تابلوهای شهری، پیاده‌روها، نمای ساختمان‌ها، روشنایی معابر، خیابان‌ها، پارک‌ها، دست فروشان، کف پیاده‌روها، فضای سبز ناکافی و... روحیه شهروندی را که در شهر قدم می‌زند دچار افت و خیز کرده و بر آن تأثیر منفی خواهد گذاشت در حالی که نظم و ریتم به شهر آرامش می‌دهد. دیوارهای شلخته و نیمه ساخته با مصالح نامرغوب به ویژه در بخش‌های مرکزی شهر، پلاکاردها و بنرهای جورواجور، فضاهای تاریک کوچه‌های تنگ مرکز شهر، دیوارهای درحال ریزش، کانال‌های روباز جمع آوری فاضلاب و آب‌های سطحی، کابل‌های درهم و برهم و معلق در هوا به ویژه در حاشیه‌های شهر آنجا که به صورت غیرمجاز از شبکه برق رسانی استفاده می‌شود، بالکن‌های نیمه‌ساخته و انباری شده، نرده‌های ناهماهنگ و فرسوده و رنگ رو رفته در نمای ساختمان، لوله‌ها و تأسیسات کولر و بخاری نصب شده در پیشانی ساختمان‌ها و... همگی آلودگی بصری و اغتشاش ذهنی را افزایش می‌دهند. ضمن اینکه نماهای نازیبا و متنوع موجود در ساختمان‌سازی امروز شهر ما حکایت از آن دارد که برای این مهم ضابطه و قانون مشخصی وجود ندارد. نه برای مصالح نمایی، نه رنگ و نه فرم آن هیچ چیز تعریف و تدوین شده‌ای وجود ندارد لذا لازم است در نماسازی برای سقف‌های شکسته در نما، پنجره‌ها، رنگ ساختمان‌ها، رنگ سقف‌ها، نوع مصالح نمایی، ارتفاع ساختمان‌ها، دیوارها و نرده‌ها در نمای ساختمانی و... دستورالعمل صریح تعریف و ابلاغ شود. شهرداری با تصویب و منطقه بندی شهر می‌تواند گام مؤثری در سر و شکل دادن به سیمای شهر برداشته و مانع از لطمات روحی جبران‌ناپذیر به شهروندان گردد. مسلماً به دنبال این زیباسازی منظر و سیمای شهر و به تدریج می‌توانیم شاهد تغییر الگوی رفتاری، کاهش ناهنجاری‌های اجتماعی، توسعه تعامل بین شهروندان و در نتیجه ارتقای سطح شور و نشاط اجتماعی باشیم. اهمیت مقوله زیباسازی و زیباشناسی در شهرسازی تا جایی است که مفاهیمی همچون شهر آرمانی، اتوپیا، مدینه فاضله، شهر عادلانه و شهر زیبا را خلق کرده است.

References

- Akbarzadeh, M & Taghipoor, M. (2010). Pathology and Opportunity in Explaining of Localities Identity in the Urban System. *Journal of Urban Research*. No. 34. (Text in Persian).
- Ashtari, H & Mahdnejad, H (2012). *Creative City, Creative Class*. Tehran: Tisa Publishing. (Text in Persian).
- Azad Armaki, T. (2010). *Theories of Sociology*, Tehran: Soroush Publishing. (Text in Persian).
- Bahreini, H. (2006). *City design*. Tehran: Daneshgah Publishing. (Text in Persian).
- Barthes, R. (2013). *The Pleasure of the Text*. Translated by Paiam Yazdanjou. Tehran: Markaz Publishing. (Text in Persian).
- Flick, E. (2008). *An Introduction to Qualitative Research*, Translated by Hadi Jalili. Tehran: Ney Publishing. (Text in Persian).
- Ghasemi, I. (2011). *With pioneers of urban planner*. Tehran: Nashre Farhang Publishing. (Text in Persian).
- Ghasemi Esfahani, M. (2015). *Where are we from?* Tehran: Rozaneh Publishing. (Text in Persian).
- Habibi, M. (2005). *Az Shahr ta Shahr*. Tehran: Daneshgahe Tehran Publishing. (Text in Persian).
- Harvey, D. (2002). *Social justice and the city*. Translated by Farokh Hesamian. Tehran: Sherkate Pardazesh & Barnamerizie Shahri Publishing. (Text in Persian).
- Harvey, D. (2013). *The urban experience*. Translated by Aref Aghvami Moghadam. Tehran: Pejvak Publishing. (Text in Persian.)
- Harvey, D. (2016). *From the Right to the City to Urban Revolution*. Translated by Khosro Kalantari & Parviz Sedagat. Tehran: Agah Publishing. (Text in Persian).
- Lynch, K. (2006). *The image of the city*. Translated by Manoochehr Mazini. Tehran: Daneshgahe Tehran Publishing. (Text in Persian).
- Lynch, K. (2005). *A theory of city form*. Translated by Hosein Bahreini. Tehran: Daneshgahe Tehran Publishing. (Text in Persian).
- Madanipoor, A. (2004). *Designing of urban space*. Translated by Farhad Mortezaei. Tehran: Sherkate Pardazesh & Barnamerizie Shahri Publishing. (Text in Persian).
- Madanipoor, A. (2003). *Public ana private spaces of the city*. Translated by Farshad Norian. Tehran: Sherkate Pardazesh & Barnamerizie Shahri Publishing. (Text in Persian).
- Pakzad, J. (2006). *The Feats of Thoughts in Urbanism (1)*. Tehran: Omrane Shahrhaye Jadid Publishing. (Text in Persian).
- Pakzad, J. (2011). *The Feats of Thoughts in Urbanism (3)*. Tehran: Armanshahr Publishing. (Text in Persian).
- Pakzad, J. (2013). *The Feats of Thoughts in Urbanism (2)*. Tehran: Armanshahr Publishing. (Text in Persian).
- Ritzer, G. (1994). *Contemporary Sociological Theory*. Translated by Mohsen Salasi. Tehran: Elmi Publishing. (Text in Persian).
- Skidmore, W. (2008). *Theoretical Thinking in Sociology*. Translated by Ali Mohammad Hazeri. Pajoheshgahe Olome Eslami Publishing. (Text in Persian).
- Tavasoli, G. (2008). *Theories of Sociology*, Tehran: Samt Publishing. (Text in Persian).